



www.memar-24.ir

«معمار منهای بیست و چهار»، روزنامه الکترونیکی در زمینه معماری و شهر است که تحت نظارت پژوهشکده نظر منتشر می‌شود. این پایگاه در زمینه‌های هنری، علمی- فرهنگی- اجتماعی و گرایش‌های تخصصی مرتبط با معماری و شهر فعالیت می‌کند. هیئت تحریریه این روزنامه معماری با کمتر از ۲۴ سال سن هستند که در دانشگاه‌های مختلف ایران مشغول به تحصیل اند و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. «معمار منهای بیست و چهار» در حال حاضر با مشارکت ۸ دانشگاه شامل: دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، آزاد واحد تهران - مرکز، علم و صنعت، کاشان، آزاد واحد تهران - جنوب، سوره، شریعتی، بابل و ارومیه فعالیت می‌کند.

این نوشته خلاصه‌ای از بحث‌های آزاد «معمار منهای بیست و چهار» است که در جلسات هفتگی آنها برگزار می‌شود. تنظیم: مریم منصوری.

## از کی الگو بگیریم؟

میزگرد با حضور:

احسان مسعود / مریم منصوری / لیلا نیکنام / نظری زاده / علی لطفی

احسان: جو دانشجویی اینطوریه دیگه؛ آدم به همه می پره که هیچی بلد نیستن. حالا که نوبت خودمون شده چی؟! به نظر من این مسیر، آخرش، به معمار تأثیرگذار نیست.

ندا: ما جز درس و کار چاره دیگری نداریم برای آینده. در ضمن با درس خواندن توی این دانشگاه‌ها هم چیز زیادی بهمون اضافه نمی شه. اگه ۱ سال درسمو بذارم به جاش به نقاط ضعف (اسکیس، مبانی نظری، جامعه شناسی و...) بپردازم خیلی مفیدتره. شناخت نقاط ضعف و تکمیل اونها راه بهتریه از مدام دانش اضافه کردن به خود.

مریم: به نظر من الان مشکل اصلی، بی هدف بودن ماست. علی: من دوست دارم در ۴۰ سال اول زندگیم یک کار درست حسابی انجام بدم. به خونه طراحی کنم و عین طراحی خودمو با روش خودم بسازم. فکر می کنید «خانه ایشار» چرا اینقدر معروف شد؟! فقط به خاطر این که در شیوه خودش اول بود. اولین خانه ارگانیک بود.

مریم: همه اینها درسته. اما به چیزی کم داره. ما در کنار همه این کارها باید به «کارگاه پرورش انسان» داشته باشیم. به جریانی که به سال پایینی ها و جوان‌ترها فکر کردن رو یاد بده. این کار نه هزینه‌ای داره، نه به پشتیبانی خیلی مجتهدی نیاز داره. وظیفه ماست الان که خودمون به این مشکلات خوردیم، حداقل بی تجربه ترها رو از افتادن توی دام این روزمرگی و بی‌هدفی نجات بدیم. بهشون فکر کردن و خلاقیت رو یاد بدیم که به فکر تقلید از ایده های قبلی نباشن.

احسان: این بحث همون «معمار تأثیرگذار»ه که اول مطرح شد. همه این نکاتی که گفتیم «آسیبه». اما مسئله اصلی دغدغه تأثیرگذاریه. وقتی با بچه هایی که رفتن (خارج) صحبت می کنیم، می بینیم اون دغدغه رفته، دیگه نیست. علی: توی محیط کار که می ری دیگه چون بحث پول و کارفرما می شه همه چیز اجباریه. یعنی باید در کنار پول، فکر ارتقاء رو هم بکنی. دیدگاه معمار ۲۴- البته این نیست. احسان: بله، دقیقاً موضوع همینیه. اینو هرگز یادمون نره.

ندارن. اونا می رن برای خودشون کارفرماهای خصوصی و پولدار پیدا می کنن و تک‌بناهای خاص طراحی می کنن. پروژه هاشون هیچ وقت کاربری های عمومی جامعه نیست. همش یه سری ویلا توی لواسانات و شمال و ... ندا: بزرگترهای معماری ایران فقط حرف می‌زنن. تازه اگه حرف بزنن. همش نشستن در موضع قدرت و ایراد می گیرن و نقد می کنن. تا جایی که توی دانشگاه‌ها تقریباً ما (معماری‌ها) رو قبول ندارن. برای معماری‌ها در جایگاه مهندسی جایی وجود نداره. بین هنری‌ها هم که می ریم حوزه مشخص خودمون رو نداریم. اصلاً معلوم نیس وضعمون چیه. این «بزرگان» هم با کنار کشیدن خودشون، کار رو برای ما سخت تر کردن.

علی: بحث برمی‌گرده به خود ما؛ نوع «Present» کردنمون. شما «علیزاده» رو می شناسید؟! شاید جز بهترین معمارهای معاصر ایران باشه. اما هیچ کس اسمش رو هم نشنیده. زیباترین و عجیب ترین خانه ای که من تا امروز دیدم، طراحی اون بوده. پلان اون خونه رو بردم سر کلاس. های مختلف. اما هر کدوم از استادها دیدن از اول و آخرش ایراد گرفتن که "تو هیچی از مبانی نظری معماری سرت نمی شه!". به نظر من «مبانی نظری معماری» سلیقه است. خانه طباطبایی‌ها در زمان خودش حرف اول رو می زد. اما الان دوره اون گذشته. ما پیشرفت کردیم؛ عوض شدیم و من قبول ندارم که می گن «ما درجا می‌زنیم».

احسان (به لیلا): شما به عنوان فارغ‌التحصیل برنامه‌ات چیه؟ لیلا: مشکلی که ما داریم اینه که معماری کارشناسی شده. همین الان داریم می گیم حدید با این عظمت اش رفته نشسته کفش عروس می کشه. ما اشل طراحی مون اشتباهه. ما تا وقتی بلد نباشیم یه صندلی درست بکشیم، نمی‌تونیم یه خونه بکشیم. من خودم ۳-۴ ساله کار حرفه‌ای می‌کنم، اما کافی نیست. الان می‌خوام شاخه‌های فلسفه و روان-شناسی رو مطالعه کنم. به نظر من اینکه ما یه سال کار حرفه‌ای بکنیم یا دوسال فرقی نمی‌کنه، چون همه اندوخته مون توی همون سال اوله. بیشتر که بشه خیلی چیزها رو حتی از دست می‌دی.

احسان: کلاً معماری معاصر ما به چه سمتی پیش می‌ره؟ ممکنه توی دنیا، همین خبری باشه که اینجا هست، اما من خودمونو می‌گم. خیلی روی سطح حرکت می‌کنیم. نمادش همین جایزه معماره؛ مثلاً معماری معاصر ماست. غیر از اون طرح سازه مابمو که یه استراکچر اضافه داره، بقیه کارها کلاً معماری نیست، گرافیکه. حرف از «concept» هست، اما در نهایت به دنبال همون «fashion» هستیم. توی هر جمع معماری معاصر حرف میریزن می‌شه، اما یادمون رفته که اون خودش درگیر این fashion‌ها نبوده، کارهای جدید کرده.

علی: برعکس حرف تو، چیزی می‌خوندم که امسال پروژه‌های ارائه‌شده برای جایزه میریزن خیلی خوب و متفاوت بودن و پیشرفت داشتن. از لحاظ فلسفی ما توی هر زمانی بایستیم، تو خودتو مرکز جهان می‌بینی و بقیه رو پس رفته. اما در حقیقت اینطوری نیست. همواره به پیشرفتی هست. حالا مسئله اینه که چه کار کنیم که خوب بشیم؟

نظری زاده (به احسان): تو می‌گی ما اشتباه می‌کنیم؟ احسان: من می‌گم اونها (کشورهای پیشرفته) در کنار تمام اشتباهاتشون پیشرفت هم داشته‌اند. منظور من اصلاً تکنولوژی نیست. منظورم تغییر سلیقه بصریه.

نظری زاده: خب نمونه‌ش زها حدیده دیگه؛ کتاب طراحی لباس عروس و ... داره. همه چیز رو در کنار هم داره.

احسان: به خونه قدیمی که مامان بزرگ من داشته در زمان خودش، هم سلیقه معمار اون بوده و هم سلیقه عمومی جامعه. اما الان دیگه اینجوری نیست. ما معمارها توی دانشکده یه باید و نبایدهایی رو برای خودمون معین می‌کنیم که ما رو تحت سلطه قرار می‌ده. اینو باید چه کار کنیم؟!

نظری زاده: الان معمار توی ایران قدرت نداره. برای همین همیشه سلیقه دیگری غالبه؛ مهندس عمران و ... «پردیس سینمایی» تقریباً جز معدود پروژه‌هاییه که از اول تا آخرشو یه معمار طراحی کرده، که اونم تقلید ۱۰۰٪ است. علی: تقلید اشکالی نداره.

مریم: البته یه قشری از معمارهای صاحب‌نظر هم در جامعه وجود دارن. اما توی سلیقه عمومی جامعه تأثیر

